

تفکر

و مهارت‌های آن

نسترن خسروی

آموزگار پایه‌ی سوم ابتدایی، مدرسه‌ی شاهد گل نرگس،

منطقه‌ی ۱۷ تهران



تفکر فرایندی پنهانی است؛ زیرا افکار ما و فرایندهای مربوط به تشکیل آن‌ها قابل مشاهده نیستند. هنگام تفکر از نمادهای ذهنی و بازنمایی آن‌ها استفاده می‌کنیم. مغز ما اطلاعاتی را دریافت و آن‌ها را با روش‌های گوناگون به افکار تبدیل می‌کند. هر کدام از این روش‌ها نوعی از تفکرند.

توانایی فکر کردن و خردورزی چیزی است که نسل بشر را از سایر موجودات جدا می‌کند. انسان نیازی ذاتی به استفاده از اطلاعات موجود در محیط خود برای مبارزه با چالش‌های پیچیده‌ای دارد که با آن روبه‌روست. روش برخورد فرد با مشکلات و یافتن راه‌حل، تا حد زیادی به نحوه‌ی پردازش این اطلاعات توسط مغز او وابسته است؛ به‌واسطه‌ی روش‌های متعددی که از طریق آن‌ها مغز ما این اطلاعات را به افکار تبدیل می‌کند، می‌توان انواع تفکر را درک کرد که عبارت‌اند از:

۱. تفکر ادراکی یا عینی

۲. تفکر مفهومی یا انتزاعی

۳. تفکر انعکاسی

۴. تفکر انتقادی

۵. تفکر واگرا و هم‌گرا

۶. تفکر خلاق

نقش آموزش در پرورش تفکر

مقوله‌ی آموزش که ارتباط تنگاتنگی با تفکر و انواع آن دارد، باید بتواند تأثیر مثبتی بر فرایند تفکر افراد و تقویت اشکال متعدد آن داشته باشد. متأسفانه مهارت تفکر خلاق در آموزش و پرورش کشور ما اهمیت کمتری دارد و توجه به تفکر خطی بیشتر است. در این روند، با انتقال مفاهیم از ذهنی به ذهنی دیگر توقع داریم دانش‌آموزان تمام مطالب منتقل‌شده را به‌خوبی بیاموزند و ارائه دهند، بدون اینکه از آن‌ها انتظار داشته باشیم از تفکر فردی خود هم بهره ببرند و با تفکر خلاق خود بر آنچه به آن‌ها منتقل شده است، چیزی بیفزایند و با استفاده از توانایی‌های خود به‌صورت

دیگری آن مطلب را بیان کنند. انواع روش تدریس‌ها و ارزشیابی‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموزان را هم درگیر مسئله‌ی موردنظر کند. چه بهتر که پاسخ واحد و مشترکی برای همه‌ی سؤالات وجود نداشته باشد تا بتوانیم از این طریق نحوه‌ی تفکر و نگاه دانش‌آموزان به یک مسئله را نیز ارزیابی کنیم. برای پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان می‌توانیم درس‌های متفاوتی را با هم تلفیق کنیم. مثلاً با تلفیق درس ریاضی و هنر ساعت مچی بسازیم و از روی آن، ساعت قبل از ظهر و ساعت بعدازظهر را طراحی کنیم و آموزش دهیم. بدین‌گونه هم خلاقیت دانش‌آموزان تقویت می‌شود و هم یادگیری شیرین‌تر صورت می‌گیرد. بهتر است دانش‌آموزان را عادت دهیم با استفاده

از تفکر نقادانه به بررسی و نقد مطالب بپردازند. هر اطلاعاتی را به آسانی و بدون چون و چرا نپذیرند و درباره‌ی صحت آن اطلاعات کافی جمع‌آوری کنند. پیش از تدریس از دانش‌آموزان درخواست کنیم درباره‌ی موضوع موردنظر با استفاده از مطالعه‌ی کتاب، پرس‌وجو (مصاحبه) یا جست‌وجو در فضای مجازی اطلاعاتی را جمع‌آوری کنند. روش‌های تحقیق و پژوهش را باید از سنین کم به بچه‌ها بیاموزیم تا تفکر انتقادی‌شان در سطح پیشرفته پرورش یابد؛ مثلاً در فضای مدرسه و کتاب‌های درسی بسیار تأکید شده است که وعده‌ی صبحانه مهم‌ترین وعده‌ی غذایی است و دانش‌آموزان حتماً قبل از رفتن به مدرسه صبحانه میل کنند؛ اما همچنان می‌بینیم که آن‌ها به این موضوع اهمیتی نمی‌دهند. اما اگر به دانش‌آموزان بگوییم که به جست‌وجوی چرایی این مسئله بروند و خودشان به این نتیجه برسند که صبحانه مهم است و برای فهم مطالب درسی و انرژی‌ی اولیه‌ی روزانه نیاز به این وعده‌ی غذایی دارند، شاید به نتیجه‌ی بهتری برسیم.

مهارت‌های تفکر یکی از مهارت‌های مهم و ضروری برای زندگی هر فرد هستند. چه بهتر که در فضای آموزشی به همراه درس‌هایی که آموزش آن‌ها ضروری‌اند، این مهارت‌ها نیز در برنامه‌های درسی گنجانده و آموزش داده شوند.

در وجود همه‌ی افراد توانایی تفکر وجود دارد، اما همه به‌طور مؤثر از آن استفاده نمی‌کنند. مهارت‌های مؤثر برای درست فکر کردن در طول زمان ایجاد می‌شوند. متفکران خوب فرصت‌ها را می‌بینند، در حالی که دیگران فقط مشکلات یا موانع را می‌بینند. متفکران می‌توانند بین عوامل گوناگون ارتباط برقرار کنند و آن‌ها را به هم پیوند بزنند. همچنین اهل تفکر قادر به ایجاد راه‌حل‌های جدید و منحصر به‌فرد برای مشکلات هستند. اغلب اوقات، فکر کردن به‌طور خودکار اتفاق می‌افتد. با این حال، مواقعی هم وجود دارد که شما آگاهانه درباره‌ی چگونگی حل یک مشکل یا تصمیم‌گیری در مورد موضوعی فکر می‌کنید. با توجه به مطالب ذکر شده درمی‌یابیم که پرورش افرادی با تفکر آگاهانه، خلاق و منتقدانه که در برابر مسائل و مشکلات زندگی خود می‌توانند تهدیدها را فرصت ببینند و برای برطرف کردن مشکلات اقدام کنند، بسیار ارزشمند و از اهمیت بالایی برخوردار است.

به‌عنوان یک آموزگار مقطع ابتدایی بر این عقیده‌ام که اگر ما معلمان نتوانستیم همه‌ی دانش‌آموزان را به درس‌های نظری و عملی علاقه‌مند کنیم، اما توانسته‌ایم مهارت تفکر را در آن‌ها پرورش دهیم تا در هر جایگاه اجتماعی که در آینده خواهند بود و در هر کاری که به آن اشتغال خواهند داشت به‌خوبی فکر کنند و تصمیم بگیرند، وظیفه‌ی خویش را به‌درستی انجام داده‌ایم. چراکه توانایی تفکر سازنده و خلاقانه در هر شغلی بسیار ارزشمند است. در پرتو این حقیقت است که ما باید تلاش کنیم متفکران بهتری باشیم و مهارت‌های خود را از طریق تمرین و با جست‌وجوی فرصت‌هایی که ذهن ما را به چالش می‌کشند، تقویت کنیم. امید است که در رسیدن به این هدف بزرگ موفق عمل کنیم.

